

در آیه های ۲۰۱-۲۰۲ سوره ۴۰

بقره باين معنى ابلاغ شده است
پس بعضی از مردم کسيست که
میگويد ياد اي پروردگار ما به مانصیب
(عمت) . و بعضی از مردم کسيست
که میگويد، اي پروردگار ما به مارا
در دنيا خوبی و در آخرت خوبی و
نگهدار مارا از غذاب دو زخ ، آن
گروه مر ايشان راحصه است از آنچه
(از دعا و جمله حسنات) کسب کرده
اند و خدا وند (اعمال و کار ۱۰ راهی
شما را در روز قیامت) سریع حساب
می کند .

خور لسمه گنج

۱۳۴۸۹ د تور (۷)

هره یکشنبه په کا بل کبسی خپیری

آزاده دینی، اجتماعی، سیاسی، ملی چریده

سخنان پیشوای (ص)

ممنون به دی ايمان لروچه به قولو
اجتماعی، اخلاقی اوقات صادی مفکر و
او مسلکو کبسی داسلام تعلیمات کامل
او دشمن پاره مفید دی او هم خصل ملیت
تو قولو لور گنو زمود خلک هفه
وخت نیک مرغی ته رسیده چه
داسلام او امر و ته پابندی او خصل
ملیت ته په درنه ستر گه و گوری .

هر کس بخدواند و روز آخرت
ایمان دارد باید به همسایه خود پسر
درساند و مهمان خود را احترام کند.
و وقتیکه حرف میزند بجز حق و خیر
و صالح عامه چیزی نگوید والا
خموشی اختیار نماید .

کسی که اما نت را مرا عات نکند
مومن کامل نیست ، و همچنین کسی
که بعهد و پیمان خود و فانه نماید
دا رای ايمان کامل نمی باشد .

زمو بز شعار

ممنون به دی ايمان لروچه به قولو
اجتماعی، اخلاقی اوقات صادی مفکر و

او مسلکو کبسی داسلام تعلیمات کامل
او دشمن پاره مفید دی او هم خصل ملیت
تو قولو لور گنو زمود خلک هفه
وخت نیک مرغی ته رسیده چه

داسلام او امر و ته پابندی او خصل
ملیت ته په درنه ستر گه و گوری .



چون درین چریده کلمات معتبر که نشر شده لطفاً آنرا خوب تر و برا کثر نگهدارید .

المستر حم من الله غ ن

از: صابر هروی

از احتیاج بیگانگان
خلاص فهمیشویم

مردم افغانستان که از عمر ها زدیده کالا و منسوچه افغان گلبهار نیز بهم از میکردند بهمین آرزو بودند که روزی وضع و سنت قبول شده زود ماهیت و کیفیت خود را باخت یعنی تا رفتند و زحمت خود شان و توسط فرزندان ازین با تولیدات بیشتر و قیمت های نازلتر (قرار و عده های که بعد مردم با این خوشدل باشند که بعد از پیداوار خود شان و بزرگ بازو صالح و کار گران و زیده خود شان نمودیش و احتیاج خود را رفع و خود را ازین نیاز مند تا حدی برها ندند .

تحول عجیبی در وضع اداری و فنی دستگاه سیاسی افغان وارد و نه تنها مرغوبیت دوام اجناس تو لیدی نساجی از بین رفت بلکه دسته های نا هر عی ای برای بلند بودن نرخهای اجتناس تولیدی تسا جی از کمینگاه بلند شد و باین ترتیب سیلی محکم ونا امید کنند ای برده مردم غریب ونا توانی که تو ان استفاده از اجناس لوکس و منسوجات ابر یشمین بیگانه راندا شتند نوخته شد .

در و حل که نه نر خ پنجه بلند رفته بود و نه کدام ضرر دیگر متوجه دستگاه سیاسی شده بود مردم نا آگاهانه قناعت کردند بجز یکی دو مضمون که در اخبار های رسمی حکومتی درینباره از طرف نویسنده کان نو شده شد دیگر عکس العملی نشان ندادند ولی به تعقیب آن بطور محسوس دیده شد که راه ورود اجناس و کالای پاکستانی، ایرانی وغیره طور آزاد و قاجاق باز و بفتتا بازارهای مملکت از اجناس نا مطلوب خارجی دو باره بر شد .

درین او آخرین از عرصه دوماه باینطرف است که باز مغازه های سیاسی از مال و منسوچه داران خالی بینظر می رسد مغازه داران میگویند که نساجی به بهانه تصفیه و موجوی مغازه ها و تحریک نه و گدام های خود جلو حواله های مارا (بقيه در ص ۲)

سپتب اسلام

آنکه خود راشناخت خود

آندره کا نوری آیوی

دان کتر در طب و فلسفه حقوق و فیزیو لو جست امریکا ئی ضمن
بر سشن از وجود خدا (ج) می گوید «بلی مسلم است که خدائی وجود دارد»
من همچنان که بهستی خود اقمار میکنم بوجود و هستی او نیز اعتقاد
دارم . ایمان من بخدا ئی که تمام مخلوقات را آفریده و درهمه جا حاضر
و ناظر حال بشر است، بروی عقل و منطق و عشق و امید استوار است .

نه وی، او هم دانسانا نو دندا نه
ضرورت په تهر لو ای خونو او زمانی
غوب نشتنی سره سمد نری والو دتنها
سره تپلی دی .

Heghe انسانان چه دهمدی قد سی
قانون په چو کات کبسی دبشری او
عالی امن او اجتمعا عی بیگیو تا ثید
نکوی، بلکه تل دیر غل او بیر حمه
زورود کالای خارجی کاست .

ولی بد بختانه همان طو ریکه هر
عملی در مملکت ما جنبه تبلیغی
و اشتهرانی دارد و در اول جالب
تحقیقی سر بحوب نوم نهشی و رکولای .
و فریباست ولی آخرش مانند گاز

Heghe دات پاک خدا ی جلت عظمته
دی او هفه دنظام قوانین آسمانی
ادیان دی چه دانسان دمو جودیت
له سره شروع شوی او وس ئی خیل
نهایتی سیر داسلام دمبارک دین په
عملی کو لو پای ته رسو لی دی اوله
سره تر وو سه پوری ئی په ملیو نو
انسانا نواطاعت کپی ، او صو ری
او معنوی خوند و نه ئی ترسی نه
اخستی ده .

له د غو پور نئیو خو کر بشوناشه
شوه چه سپری تو ب هله حقیقت
میندلای شی چه سپری داجتما عی
ژوند له باره هر وخت چمتو وی او په
بشری شوه چه دانسانا نو دفردي
سر زوری فرننه وی ، بلکه دانسان
لوی ژوند داجتما عی صحیح نظام
پابند وی به همدم و جی نه می د



بو له شر حه

دھلی وحدت لپاره ملی ژبه دیره ضرور دد

پښتنی کورنی پهدي بو خي کښي لوی مسئوليت لري، باید پغپلو منځو کښي، اوله نورو سره هر و مرو پغپلو ملي ژبي و غزنېزني

اندیشه جاوید

غیمت دان پنج چيز را پیش از پنج چین، جوانی را پیش از پیری که چون پیر شدی بندگی خدا تواني کرد بدانسان که در جوانی. و غنیمت دان تندرستی را پیش از بیماری که چون بیمار شدی عبادت نتوانی کرد چنانچه در تندرستی. و قدر کن توانگری را پیش از آنکه فقیرشوی و آنچه خواهی در راه خدا نتوانی داد و حسرت توانگری را بری یابه علت فقر از عبادت بازمانی. و غنیمت دان فارغ بودن را پیش از آنکه مشغول شوی بکار هاي که فرست عبادت نداشته باشي. و مفتنم دان زندگی را پیش از مرگ چه بعد از فوت کاري نتوان کرد.

از «مجله ذيرمه»

از اقبال

ساحل افتاد گفت گر چه بسی ذیست
هیچ نه معلوم شده که من چیست
موج ز خود رفته ای نیز خرامیلو گفت
هستم اگر میروم گر نروم نیستم

تو ضیع شمار گذشته

در سطر ۱۰ ستون اول سرلوحه
کلمه رد به (را)

در سطر ۲۶ ستون سوم صفحه
او ل کلمه اینه به (اینکه)

در سطر ۲۹ ستون پنجم بعداز کلمه
حتی کلمه (فرد) افزاره سود
سطر ۵۱ ستون پنجم صفحه
او ل اضافیست.

در سطر ۱۷ ستون ن دوم صفحه دوم
بعداز کلمه کار (گر) افزود شود
در سطر ۵۸ ستون چارم کلمه کوش
به (کو شش) تصحیح شود
در سطر ۶۴ ستون دوم صفحه ۴
جمله مختصر به (محضر) تصحیح
شود.

دھساب نمبر پښتنی تجارتی بانک
(۴۳۸۱)

داعلا ناتو پیسی یوا خی یه حساب
کښي مثل گیزی.

یوه شماره په ۲ - افغانی
اشتراک :

کالانی ۱۰۰ افغانی هفه اعلانات چه ملی اقتصاد نه
شپن میاشتی ۵۰ « متضرر کوي مثل گیزی .
ادا ره کوئی شی چه مضمون نشر کپری یائی وسا ته.

زمامداری اماقتداری میخواهد

علی بن رافع که در زمان خلافت حضرت علی (رض) خزانه دار و منشی بیت المال بود میگوید، در خزانه یک گردن بند مروارید بود که در جنگ بصره بدست آمده بود روزی دختر علی (رض) بنی گفت «دلخواه‌دان گردن بندرا به عاریت بمن بدهی تادر روز عید اضعیت زینت خود سازم» من هم گردن بندرا فرستادم و وعده داد که بعد سه روز اما نت را پس بدهد.

علی (رض) گردن بند راند دختر خود دید، از واقعه جویا شد و مرا خواست و گفت «ای ابن رافع، توبه مسلمانان خیانت میکنی» گفتم خدا نکند هیچ خیا نتی نکرده ام، گفت «چطور به دختر من گردن بند بیت المال را بعارت دادی؟»

گفتم او دختر تو است، برایش اما نت دادم بعد سه روز واپس بجاشی میگذارم.

حضرت علی (رض) امر کرد که فوراً باید گردن بند بجاشی گذاشته شود و آینده چنین عملی نباید تکرار گردد. خدا ترش مطلع شد و به پدر گفت «ای امیر المؤمنین، من دختر تو و نور بصر توام - که بیش از میشانی پوشیدن آنرا دارد؟»

حضرت علی جواب داد «ای دختر از واه حق دور شو - آیا تمام زنان

گردن بند بصورت فوری بخوانه سپرده شد.

(بقيه از ص ۳)

پیغام مکمل

یاد میشود و آنحضرت (ص) فرموده بحیث یک ملت ممتاز شناخته میشود است (جهاد از روزیکه من معبوث شدم تاپا ن جهان فرض مسلمان است که باید در هرگونه شرایط مشخصات وامتیازات ملل بیگانه در قعر آنها مضمحل میشود.

مسلمانان در ضمن تعليمات عالی

اسلامی باین امر متوجه شده بودند که اگر با مسلک خود ها بی اعتمای و بی پرواپی نشان دهند سر پرستی و سعادت بر روی زمین چه که خود ها را از دست خواهند داد و نابود خواهند گردید. قرآن کریم و احادیث نبوی (ص) از سر نوشت ملل سابقه که در اثر بی اعتمای و بی پرواپی با مسلک خود ها، به آن سرچار گردیده بودند برای شان مفصل حکایت کرده است وايشان را تنبیه نموده اند که اگر رویه ملل سابق را با مسلک خود ها در پیش گیرند بعین سر نوشت آنها دچار خواهند شد زیرا سنت و مسیت خداوندی تغیر و تبدیل نداشد (ولن تجد لسته الله تحويله) هر گز برای سنت خداوندی تغیری نخواهی یافت، و حضرت عمر (رض) برای جمعی از مسلمانان چنین گفت «خداوند از غیر مستحق گرفته بشماد داد. شما نباید چنین کنید که غیر مستحق شده و از شما گرفته بدیگران دهد.»

ولی تا چه وقت باید این وضعيت طول کشد، تاچه وقت باید این انتظار بی نفر را کشید؟

اگر مسلمانان اکنون هم از خطابی که مرتكب شده اند پشیمان شده و بمسیل مقدس خود هارجوع نمایند و برای انکشاف و بقای آن ببارزه و مجاهده بپردازند سعی و کوشش آنها بهدر نخواهد داشت ناچاره دیگر بعضی از خود مسلمانان خاصته برخی از آناتیکه تعليم یافته گان نامیده میشوند دین اسلام را بیرون آنکه در اطراف آن کوچکترین معلوماتی داشته باشنند آنرا بچشم شک و تردید و تنقید مینگرنند و از طرفی هم دیده میشود که ملل در اقتصادی استقلال کا مل ندارندواز نایابه دیگر بعضی از خود مسلمانان

خاصته برخی از آناتیکه تعليم یافته گان نامیده میشوند دین اسلام را بیرون آنکه در اطراف آن کوچکترین معلوماتی داشته باشنند آنرا بچشم شک و تردید و تنقید مینگرنند و از طرفی هم دیده میشود که ملل در اکثر پهلوهای حیات از قبل عقیده طرز معاشرت و دیگر گوشه های

کلچری شان گلغالب اموال و در هنما نیهای اسلامی بود به تقليد و پیروی دیگران زمین اعاده خواهد شد و عنون و نصرت خداوند اند. واين نكته قابل افسوس چه که قابل گریه است صاحب پیشیرت و فراست هنگامی میزدید آنرا ملاحظه میکند و میبیند که ما آنرا ملاحظه میکند و میبیند که ما روز بروز از پدران خویش دور تر شده و بد شمنان شان نزدیکتر میشونیم یا بعباره دیگر و وز برورز علاقه و ارتباط ما با تاریخ درخشان گذشته ما ضعیف شده و بو سیلۀ تقليد کور کورانه خود ها در ضمّن ملل دیگر نا بود شده و بتا ویخ آنان می بیو ندیم، گریه میکند واشك میریزد زیرا و قتل ملتی باین مصیبت تباکن مبتلا گردید به تلخترین اسلام (طوریکه از دو شماره اول معلم میشند) نزد خداوند قبول واقع گردد.

و فجیعتونین مرگ مرده است یلى مردن ملی یکی همین است که ملت مشخصات وامتیازات ملی خود را

(بقيه از صفحه ۲)

سریتوب ۱۰۰۰

نن زما نداد تایی لو یمقام دشرافت حیواه یا ولی الالا ب) - هفه بشرى دستانی دیاره یوازی داسلام دسپیشلی قانون لیو لئی چه داسلام مبارک مراعات نکوی، که خه هم په خوله دین (چه دفردی او اجتماعی حقوق دویش زینتی مقیاس دی) لوى رو ل له دغه سره سرمه دخبل استعمای ری لو بوبی . دا خکه چعدانسانانو دننی او استشارمای اغرا ضو د پاره هره ورخ په زر گو نو انسانا ن و زنی او خاوری ته نی سپاری ۱ د خمکی دویل زرمه لار بنو دنه کوی . هرفرد پر مخ تخریب او فساد دو نه کوی دوی دا سلام (اتفاقدو افی الارض) دوی دا سلام (اتفاقدو افی الارض) او (الادمی بنيان الرب ملعون منع از اوله ما دیت او فعیریت خخه په متوا زی او خاوری ته نی سپاری ۱ د خمکی دویل زرمه لار بنو دنه کوی . هرفرد ته په متناسب سما وات او دیو بل دوی دا سلام (اتفاقدو افی الارض) دوی دا سلام (اتفاقدو افی الارض) به مقابله اختر ام کوی .

دتر او بشخی په منخ کښي هفو مره مساواة ایهابوی چه دنارینه ناریتوب او بشخی له بشخی توب سره عقلی تناسب لری ، دلورنی تشکیل چکه ایجابوی چه دهی جامی افراد و ته په هغی کښی هر راز خونه و نه شته دی اود بشر افراد تول په دغه بطیل عتراف کوی . بنخه ددوو یا پیرو و نارینه و له اشتراک خخه په کلکه سره زعوری ددی له امله چه دغیری غالب افراد دخو تنو نارینه و بلکه کله گله دیوه نارینه د جنسی تمایل برداشت نشی کو لای او د اشتراک په صورت کښی به خونه نا رینه له بوی بشخی سره ده غی د بشکلا او حسن په نسبت له هغی سره او یا په خل منخ کښی هر و خت سر مشت و گریبان او اود غه کار دبولنی داخلانی مقاصد و غت عامل دی چه اجتما عی زوند انه ته در نده صدمه رسوی

دانسان ورل او تر تل داسلام په مبارک دین تسبی په کلکه سره منع دی مگر هلتنه جواز ور کوی چه دیوه مسئلت می دا ریم امد است فرد یاخو افرارو په و ژلو یاتر پهلو کښی دیولوئی جامعی دخا نی او همالی حقوقو ساتنه وی لکه حدود، قصاص او جهاد، خدکفرمائي (ولکم) فى القصاص